

ویژگی‌های جامعه مهدوی

حجت الاسلام والمسلمین خدامراد سلیمیان*

اشاره

باور به مهدویت و مهدی موعود علیه السلام که از اصیل‌ترین و پاک‌ترین ابعاد روح انسانی سرچشمه می‌گیرد، ریشه در یک تاریخ آرمان‌خواهی فطری و اجتماعی انسان‌ها، برای حضور در جامعه‌ای بر پایه ایمان، عدالت و عمل صالحان دارد؛ باوری روئیده از متن فطرت یکتاپرستانه و باورهای دینی، با درون‌مایه‌ای سترگ، استوار و پاینده که در درون خویش شور و شعف، پویایی و شعور و فردایی تاب‌ناک را نوید می‌دهد و با زنده ساختن بارقه امید و اشتیاق در دل انسان، او را به آینده‌ای روشن رهنمون می‌سازد.

اگرچه این باورداشت و اعتقاد، به دین و مذهبی خاصی محدود نیست، اما مسلمانان همواره به این اصل اساسی توجه و اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و در میان مسلمانان، شیعه بر پایه آموزه‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام، فراگیرترین و کامل‌ترین ویژگی‌ها را برای آن باور، شماره کرده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت این اصل، با تاروپود زندگی دینی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، آمیخته است و به منزله بنیاد اندیشه شیعی، چنان جایگاهی در این مکتب پیدا کرده که با نبود آن، اندیشه شیعه بی‌ثمر خواهد بود.

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بی‌گمان، برجستگی این موضوع سبب می‌شود که بتوان آن را از زوایای گوناگون بررسی کرد. یکی از مهم‌ترین این زوایا، «ویژگی‌های جامعه مهدوی» است که در آن به بیان مؤلفه‌های جامعه‌ای می‌پردازد که در انتظار مهدی موعود عج، قیام و حکومت جهانی او، خود را آماده می‌سازد.

جامعه مهدوی

جامعه مهدوی، جامعه‌ای است مرتبط و پیوسته به حضرت مهدی عج، آخرین پیشوای شیعیان و موعود نجات‌بخش. البته این عنوان، برای دو جامعه در دو دوران گوناگون به کار برده می‌شود: نخست، جامعه‌ای که در دوران غیبت مهدی موعود عج زندگی می‌کند و دیگری، جامعه‌ای که عصر ظهور آن حضرت را درک خواهد کرد. گفتنی است، این دو جامعه در عین این‌که شباهت‌های فراوانی با هم دارند، اما تفاوت‌هایی اساسی نیز دارند؛ یکی این‌که از نگاه گستره جغرافیایی، این جامعه محدود است و آن دیگری، بر تمام کره زمین گسترده می‌شود.

دوم آن‌که در دوران پیش از ظهور، به دلیل محدودیت‌های فراوان، احکام الهی به طور کامل و فراگیر اجرا نمی‌شود؛ در حالی که در عصر ظهور، همه محدودیت‌ها و تنگناها برداشته خواهد شد و همه احکام الهی، آن‌گونه که خداوند اراده نموده، اجرا خواهد شد. و سوم این‌که در این جامعه، به دلیل در دسترس نبودن ظاهری امام، به فرمایش آن حضرت، مردم از علمای دین به عنوان نمایان عام آن حضرت بهره می‌برند؛ تا آن‌که او نقاب از چهره بگیرد. مهدی‌باوران عصر غیبت، همان مهدی‌باوران عصر حضورند. از این رو، جامعه مهدوی عصر غیبت باید نمونه‌ای کوچک باشد از آن جامعه موعود، متناسب با شرایط دوران غیبت؛ زیرا اگر چنین نباشد، اطلاق جامعه مهدوی بر آن، خطایی است بس روشن.

در این نوشتار، مقصود ما از جامعه مهدوی، جامعه نخست، یعنی جامعه انسان‌هایی است که با پیروی از آن امام پنهان، زندگی خود را سپری می‌کنند و این جامعه، دارای شاخصه‌هایی است که به آن می‌پردازیم.

ویژگی‌های جامعه مهدوی

بی‌گمان، ویژگی‌های بسیاری می‌توان برای جامعه مهدوی بیان کرد که مجال گسترده‌تری را می‌طلبد؛ اما متناسب این نوشتار، به طور کوتاه به برخی از برجسته‌ترین این شاخصه‌ها در دو دسته اشاره می‌شود: ۱. شاخصه‌های اعتقادی؛ ۲. شاخصه‌های رفتاری.^۱

به طور کلی، این ویژگی‌های اعتقادی و عملی، به‌روشنی از این سخن خداوند به دست می‌آید که می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...»^۲ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد.»
در این آیه^۳ خداوند وعده جانشینی روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت کامل را به گروهی داده که دو ویژگی برجسته دارند: یکی ایمان و دیگری عمل صالح. این‌که مقصود از این گروه چه کسانی‌اند؛ میان مفسران گفت‌وگو است. بسیاری آن را اشاره به حکومت مهدی عج می‌دانند که شرق و غرب جهان، در زیر پرچم حکومت آن حضرت قرار می‌گیرد، دین اسلام در همه جا نفوذ می‌کند، ناامنی و ترس و جنگ از صفحه زمین برچیده می‌شود و عبادت خالی از شرک، برای جهانیان تحقق می‌یابد.^۴ طبق عقیده عموم مسلمانان، یعنی شیعه و سنی، آن حضرت سراسر زمین را پُر از عدل و داد می‌کند و او، مصداق کامل این آیه است؛ ولی با این حال، منعی از عمومیت و گستردگی مفهوم آن نیست.

۱. البته به گونه‌های دیگری نیز می‌توان این ویژگی‌ها را تقسیم کرد؛ مانند ویژگی‌های: اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی؛ اما از آن‌جا که محور سخن در این نوشتار، آیه یادشده است، این تقسیم را مبنای بحث قرار داده‌ایم.

۲. نور، آیه ۵۵.

۳. ممکن است با بررسی سایر آیات، ویژگی‌های دیگری نیز بتوان مطرح کرد.

۴. رک: طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۶۱ش،

ج ۱۵، ص ۲۱۸.

بنابراین، آیه دارای دو بخش است: بخش نخست آن، اشاره به دوران پیش از ظهور دارد: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و بخش دیگر، بیانگر دوران پس از ظهور است؛ «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ».

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت ذیل این آیه شریفه چنین فرمود: «نزلت فی القائم و أصحابه»^۱ [این آیه،] در باره قائم علیه السلام و اصحاب ایشان نازل شده است.»

الف - ویژگی‌های اعتقادی

در آموزه‌های اسلامی، امور فراوانی به عنوان اعتقادات و باورهای دینی معرفی شده که در کتاب‌های مفصل بر پایه آیات و روایات بررسی شده‌اند و البته جامعه مهدوی، باید همه این باورها را در نظر گرفته، به آن‌ها ایمان داشته باشد. برخی از این باورها به طور خاص در روایات مهدویت نیز ذکر شده که در این جا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ایمان به خداوند

بی تردید، پایه همه باورهای دینی، ایمان و اعتقاد به پروردگار هستی است و این باور، در جامعه مهدوی جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند در این باره می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...»^۲ مؤمنان فقط آن‌ها هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند...».

ایمان به خداوند، نخستین گام در این مسیر است و هر کس از ایمان بیشتری برخوردار است، بیشتر مورد خطاب این وعده است.

۲. ایمان به نبوت پیامبران

پس از ایمان و اعتقاد به خداوند متعال، ایمان به پیامبرانی که از سوی او برانگیخته شده‌اند، از باورهای اساسی یک موحد است. این مهم، در جامعه مهدوی نیز مد نظر

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۳؛ نعمانی،

محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

۲. حجرات، آیه ۱۵.

است. خداوند ایمان به رسول را پس از ایمان به خود، این‌گونه بیان فرموده است: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...»^۱ ای کسانی که ایمان آوردید، آیا می‌خواهید شما را به تجارتی راهنمایی کنم که از عذاب دردناک نجات‌تان دهد؟ به خدا و رسولش ایمان آورید...»

روشن است که ایمان به پیامبر ﷺ آخرین فرستاده الهی، به معنای ایمان به سخنان او، رفتار او و دستورهای او است؛ یعنی همان چیزهایی که خداوند به آن دستور داده است. بنابراین، دومین ویژگی یک جامعه اسلامی و به‌ویژه مهدوی، ایمان به پیامبر و هر آنچه فرموده می‌باشد.

۳. ایمان به امامت اهل بیت علیهم‌السلام

شیعه بر این باور است که پس از ایمان به خداوند و رسول او ایمان، به امامت انسان‌های برگزیده که همانا اهل بیت پیامبر هستند، امری لازم و واجب است. این باور در دوران غیبت، به جهت پنهان بودن امام، حساسیت بیشتری دارد. امام سجاد علیه‌السلام درباره ویژگی‌های مردم دوران غیبت، اعتقاد به امام غایب را این‌گونه مطرح فرموده است: «... إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ وَ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيِّبَةُ عَنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ...»^۲ مردم زمان غیبت آن امام که به امامت و ظهور او معتقد هستند، از مردم هر زمانی برترند؛ زیرا خداوند، عقل و فهم و معرفتی به آن‌ها داده است که غیبت نزد آنان، به منزله مشاهده است...»

نخستین گام برای این ایمان، شناخت و معرفت امام آن زمان است. امام صادق علیه‌السلام خطاب به فضیل فرمود: «اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ»^۳ امام خود را بشناس که اگر امام خود را شناختی، دیر و زود شدن این امر، به تو نخواهد رساند.»

۱. صف، آیه ۱۱.

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۲.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

در دعایی شریف، معرفت و ایمان به خداوند، پیامبر و امام، این گونه سفارش شده است: «اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛^۱ خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجت تو را نمی‌شناسم. خدایا! حجتت را به من بشناسان که اگر حجت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.»

در این دعا، سه شناخت اساسی از خداوند درخواست می‌شود: ۱. خداشناسی؛ ۲. پیامبرشناسی؛ ۳. امام‌شناسی.

۴. ایمان به رستاخیز

در عرصه ایمان و معرفت، بینش انسان‌ها به رستاخیز و پاسخ‌گویی به رفتارها در برابر دادگاه خداوند، نقش برجسته‌ای در سامان‌یافتن رفتارهای انسان در دوران زندگی دارد. باور به این که زمانی انسان در برابر خداوند به هر آنچه انجام داده و باور داشته، باید پاسخ دهد، انسان را بر آن می‌دارد تا در کارهایی که انجام می‌دهد، بیندیشد. خداوند در آیات فراوانی بر لزوم آمادگی انسان‌ها برای پاسخ‌گویی به رفتارهای شان تأکید ورزیده است. افزون بر آیات قرآن، دیگر آموزه‌های دینی نیز انسان‌ها را به فرجام‌نگری هنگام رفتارهای خود سفارش کرده و ایشان را به حساب‌کشی از خود، پیش از قیامت توصیه نموده است.

ب - ویژگی‌های رفتاری (عمل صالح)

در قرآن کریم در بیش از پنجاه آیه، با تعبیر و مضامین گوناگون، ایمان و عمل صالح به همراه هم ذکر شده است. در این جا به دو نمونه از این آیات اشاره می‌شود:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا؛^۲ و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، به زودی آن‌ها را در باغ

۱. همان، ص ۳۴۲.

۲. نساء، آیه ۵۷ و ۱۲۲.

هایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است. همیشه در آن خواهند ماند.»

– «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا»^۱ و کسی که چیزی از اعمال صالح را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، چنان کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آن‌ها نخواهد شد.»

به اذعان صاحب‌نظران، ایمان و عمل صالح، از هم تفکیک‌ناپذیرند؛ یعنی هنگامی که ایمان پدید آید و مانعی نباشد، عمل صالح هم تحقق خواهد یافت و هر کجا عمل صالحی محقق شود، قطعاً منشأ آن ایمان خواهد بود؛ زیرا «حقیقت ایمان، فقط دانستن نیست؛ بلکه علاوه بر آن، لازم است انسان خود را تسلیم خدا کند و تصمیم بر التزام به لوازم آن علم داشته باشد. به دلیل این‌که ایمان، اختیاری، ولی علم، اختیاری نیست. بنابراین، چنین فرضی درست نیست که انسان ایمان داشته باشد و عمل نکند؛ زیرا عمل، میوه و ثمره ایمان است و در صورتی که شرایط خارجی آن پیدا شد و تکلیف متوجه انسان گردید، باید تحقق پیدا کند.»^۲

«اصولاً در بسیاری از آیات، از وجود رابطه کلی بین ایمان و عمل خبر داده می‌شود؛ به این ترتیب که ایمان، منشأ انجام کار خوب می‌شود و متقابلاً انجام کار خوب نیز موجب ازدیاد ایمان خواهد شد؛ چنان‌که انجام کار زشت نیز سلب ایمان را به دنبال می‌آورد. ممکن است کسانی گمان کنند که این رابطه ایمان و عمل، همان تأثیر و تأثر متقابلی است که در مکتب مارکسیسم و فلسفه دیالکتیک به عنوان یکی از اصول چهارگانه آن مطرح می‌شود و یا گمان کنند که دو چیز می‌توانند علت و معلول یکدیگر باشند، به شکل دور. در پاسخ به هر دو اشکال فوق می‌توان گفت: با دقت بیشتر متوجه خواهیم شد [که] مسأله، به گونه‌ای دیگر است؛ زیرا آن مرتبه از ایمان که منشأ یک عمل و رفتار می‌شود، هیچ‌گاه متأثر از آن رفتار نخواهد شد و ایمانی که از این رفتار به

۱. نساء، آیه ۱۲۴.

۲. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵.

وجود می‌آید، مرتبه دیگری است از ایمان، و با ایمان نخستین که علت آن رفتار بوده است، تفاوت می‌کند؛ به عبارت دیگر، اصل ایمان، موجب یکسری اعمال و رفتار می‌شود و آن اعمال و رفتار، باعث افزایش ایمان خواهد شد و می‌توان گفت: یک منحنی زیگزاگ تشکیل می‌دهد؛ نه آن‌که هر عملی در هر ایمان، و هر ایمانی در هر عمل مؤثر باشد.^۱

پس از بیان این مقدمه، می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری در جامعه مهدوی را چنین برشمرد:

۱. عدالت‌خواهی

از مهم‌ترین رسالت‌های پیامبران الهی و بزرگان دین، برپایی عدل و قسط است؛ چه این که اساسی‌ترین هدف برپایی حکومت جهانی منجی موعود نیز گسترش عدل و قسط در زندگی انسان‌ها است.

تلاش و مجاهدت برای برپایی قسط و برقراری عدالت، و نیز پدید آوردن جامعه توحیدی بر اساس برادری در دین و برابری در آفرینش، همواره در دستور کار بزرگان دین بوده است. البته رساندن جامعه در عصر ظهور به ویژگی عدل و قسط، هرگز با اجبار و اکراه نخواهد بود؛ بلکه در پرتو تحقق شرایطی، این مهم انجام خواهد شد؛ مانند: رسیدن انسان‌ها به کمال عقلانی، امنیت فراگیر، اوج خداپرستی، و یا احساس بی‌نیازی در انسان‌ها. بی‌گمان، جامعه‌ای که در انتظار موعود عدالت‌گستر است، باید بر پایه عدالت و قسط رفتار نماید.

۲. پرهیزکاری

از آموزه‌های مهم اخلاقی، آن است که انسان همواره جان خویش را از پلیدی‌ها پاک سازد و روح خویش را با یاد پروردگار صفا و جلا دهد و در هنگامه بروز وساوس شیطانی و نافرمانی از اوامر پروردگار، خویش را نگه دارد. در آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام این ویژگی از برجسته‌ترین صفات انسان شمرده شده است و با آن می‌توان زندگی سعادت‌مندی را پشت سر نهاد.

۱. همان، ص ۱۳۸-۱۳۹.

بنابراین، از اموری که در برخی روایات به عنوان یکی از شاخصه‌های جامعه مهدوی دانسته شده، پرهیزکاری و رعایت تقوای الهی است. پروای الهی، در همه زمان‌ها لازم و واجب است؛ اما در دوران غیبت، به دلیل شرایط خاص، اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این دوران، عوامل فراوانی دست به دست هم داده تا انسان‌ها را به بیراهه کشانده، گمراه سازند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا برای صاحب‌الامر غیبتی هست. پس، بنده تقوای الهی پیشه کند و به دین او چنگ زند.»^۱ آن حضرت در جایی دیگر فرمود: «مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ؛^۲ هر کس شاد می‌شود از آن که از یاران قائم باشد، پس باید پرهیزکار بوده، نیکویی‌های اخلاقی را عمل کند؛ در حالی که منتظر است.»

گفتنی است، امروزه یکی از راه‌هایی که می‌تواند در فراهم کردن حالت خویشنداری مؤثر باشد، ارتباط و نشست و برخاست با علمای اخلاق و انسان‌های وارسته و پارسا و نیز مطالعه آثار ایشان است؛ آنان که عمر خویش را در زهد و پارسایی سپری کردند و چراغ روشنی در این راه به شمار می‌آیند؛ البته در این مسیر، انتخاب مراد و مرشد شایسته، بس سخت و دشوار است؛ چه این‌که در این میان، رهزنان تاریک‌دلی هستند که خویش را به جای عارفان پارسا در معرض رهجویان قرار می‌دهند و جز جاه‌طلبی و دنیاخواهی، انگیزه دیگری ندارند. گواه بر این ادعا، رواج عرفان‌هایی دروغین در دوران معاصر است.

۳. پیروی از دستوره‌های امامان علیهم السلام

از دیگر ویژگی‌های جامعه مهدوی در عرصه رفتار، پیروی از دستوره‌های پیشوایان معصوم علیهم السلام است. از آن‌جا که همه امامان نور یگانه‌ای هستند، دستورها و فرموده‌های ایشان نیز یک هدف را دنبال می‌کند. بنابراین، پیروی از هر کدام، پیروی از همه آن‌ها است. در زمانی که یکی از ایشان در دسترس نیست، دستوره‌های دیگر ائمه، چراغ راه هدایت است.

۱. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۱، ص ۳۳۶؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، پیشین، ج ۱، ص ۵۱.

۲. نعمانی، الغیبة، پیشین، ص ۲۰۰.

امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که گفت: «شنیده‌ایم صاحب‌الامر غایب خواهد شد، پس چه کنیم؟»، فرمود: چنگ بزنید به آنچه [از پیشوایان قبل] در دست‌تان است؛ تا این‌که امر بر شما آشکار شود.^۱

۴. دست‌گیری از ضعیفان و فقیران

کمک به ضعیفان و محرومان، اعم از فقرای اقتصادی، فرهنگی و معنوی، در همهٔ زمان‌ها کاری بس ارزشمند است و در دین اسلام، به آن سفارش بسیاری شده است؛ اما به علت غیبت امام، در دوران غیبت ارزش بیشتری دارد. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «هر آینه باید کمک نماید قوی شما ضعیف‌تان را، و باید عطف‌ت نماید ثروتمندتان بر فقیرتان، و خیرخواهی نماید فرد برای برادر دینی خود... پس، اگر شخص در این حال از دنیا رفت، پیش از آن‌که قائم ظهور کند، شهید از دنیا رفته است.»^۲

۵. دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان حضرت مهدی علیه السلام

در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر محبت و دوستی با اهل بیت علیهم السلام و دشمنی با دشمنان ایشان تأکید شده است و این، مربوط به همهٔ زمان‌ها است؛ اما در برخی روایات، به صورت ویژه، به دوستی با دوستان حضرت مهدی علیه السلام و دشمنی با دشمنان آن حضرت، سفارش شده است. امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُفْقَائِي وَذَوِي مَوَدَّتِي وَأَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۳ خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کرده و در غیبت و پیش از قیامش، پیرو او باشد؛ دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت، از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین امت من خواهد بود.»

۱. طوسی، کتاب الغیبة، پیشین، ص ۱۵۹، ح ۵ و ۴.

۲. طبری آملی، محمد بن ابی‌القاسم، بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، نجف: کتابخانه حیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ق، ص ۱۱۳.

۳. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲.

امام سجاد علیه السلام نیز در این باره فرمود: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوْلَاتِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأَحَدٍ؛^۱ هر کس بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند، خداوند پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد به او ارزانی می‌دارد.»

۶. شکیبایی بر سختی‌های دوران غیبت

امروزه، کم نیستند افرادی که به دلیل‌هایی، باور به آن امام غایب و یاد آن حضرت را برنمی‌تابند و در این راه، از ایجاد هر گونه مانع و اذیت و آزار فرو نمی‌گذارند. از آنجا که یکی از آموزه‌های مهم دینی، صبر بر مشکلات و مصیبت‌ها است، یکی از شاخصه‌های جامعه مهدوی نیز این است که در این دوران، بیش از هر زمان دیگر باید بر مشکلات و مصیبت‌ها شکیبایی ورزید.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمُ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بَدْرٍ وَأَحَدٍ وَحُنَيْنٍ وَنَزَلْ فِينَا الْقُرْآنُ. فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحْمَلُوا [تَحْمَلُونَ] لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ؛^۲ پس از سپری شدن دوران شما، مردمی بر سر کار خواهند آمد که هر فرد آنان، پاداش پنجاه تن از شما را دارا است. عرض کردند: ای رسول خدا! ما در جنگ بدر و احد و حنین در رکاب شما جنگیدیم و درباره ما آیاتی از قرآن نازل شد. فرمود: اگر آنچه را آن‌ها تحمل کردند، برای شما پیش آید، از صبر و شکیبایی آنان برخوردار نخواهید بود.»

۱. همان، ص ۳۲۳، ح ۶.

۲. طوسی، کتاب الغیبة، پیشین، ص ۴۵۶؛ راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۴۹.

امام حسین بن علی علیه السلام فرمود: «أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۱ ... اما صبرکننده بر اذیت و تکذیب در غیبت او، بسان مجاهدی است که با شمشیر در رکاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دشمنان مبارزه کند.»

۷. آماده‌باش همیشه‌گی

از مهم‌ترین ویژگی‌های دیگر جامعه مهدوی، آمادگی همیشه‌گی و راستین است. در این باره، در کتاب‌های روایی احادیث فراوانی وجود دارد. امام باقر علیه السلام ذیل آیه: «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا فرمود: اصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ الْمُتَنْتِظِرَ؛^۲ بر انجام واجبات شکیبایی کنید و برابر دشمنان، یکدیگر را یاری نمایید و برای یاری پیشوای منتظر، همواره آمادگی خود را حفظ کنید.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «هر یک از شما برای ظهور قائم علیه السلام ابزار جنگی فراهم کنید؛ هر چند یک تیر باشد. امید است، کسی که این نیت را داشته باشد، حق تعالی او را از اصحاب و یاوران او قرار دهد.»^۳

۸. ثبات بر ولایت اهل بیت علیهم السلام

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید دائمی عهد و پیمان، یکی دیگر از شاخصه‌های جامعه مهدوی است.

هر آن که جانب اهل وفا نگه دارد خدش در همه حال از بلا نگه دارد
گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند نگاه دار سر رشته تا نگه دارد^۴

امام باقر علیه السلام درباره ثابت‌قدمان بر امر ولایت فرموده است:

«زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند. خوشا بر افرادی که در آن زمان، بر امر ما ثابت بمانند! کمترین ثوابی که برای آنها خواهد بود، این است که باری تعالی به آنها

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، پیشین، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، انتشارات جهان،

۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۲. نعمانی، الغیبة، پیشین، ص ۱۹۹.

۳. همان، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۴. دیوان حافظ، غزل ۱۲۲، ص ۱۳۲.

ندا کرده و فرماید: ای بندگان و ای کنیزان من! به نهران من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید. پس، به ثواب نیکوی خود، شما را مژده می‌دهم. شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید. از شما می‌پذیرم و از شما در می‌گذرم و برای شما می‌بخشم و به واسطه شما باران بر بندگانم می‌بارم و بلا را از آنها بگردانم. اگر شما نبودید، بر آنها عذاب می‌فرستادم...»^۱

بنابراین، یکی از کارهایی که این پیوند را ناگسستنی می‌کند، تجدید عهد هر روزه با آن یار سفر کرده است. در این باره سفارش شده که در نگاه هر روز، زانوی ادب در مقابل ساحت آن امام همام بر زمین نهاده، به دستور امام صادق علیه السلام این عهدنامه را نجوا نماید که اگر چهل صبح چنین کند، امید است از یاران آن حضرت باشد؛ دعایی که این‌گونه آغاز می‌شود:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا عَنِّي وَ عَنِ الْوَالِدِيَّ وَ عَنِ وُلْدِيَّ وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ...»^۲

پروردگارا از جانب من و پدر و مادرم و فرزندانم و برادرانم تهیت و سلام برسان بر مولای من صاحب‌الزمان علیه السلام در هر کجا هست و همیشه از مشرق‌ها و مغرب‌های زمین دشت‌ها و کوه‌ها به شمار آفریده‌های خداوند و سنگینی عرش او...

۹. پاسداری از آرمان‌ها

نظام اسلامی، دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که پاسداری از آنها کاری بس مهم و ضروری می‌نماید و این مهم، در جامعه مهدوی از شاخصه‌های برجسته است. بخشی از این پاسداری، در برابر دشمنان بیرونی، و بخش دیگر، در اصلاح و سالم‌سازی جامعه و بهبود رفتارها و روابط و مناسبات انسانی است. حفظ و حراست از ارزش‌های الهی و اسلامی در جامعه، و تلاش و کوشش برای حذف و از بین بردن ضد ارزش‌ها و ارزش‌های دروغین، از جمله گام‌های ارزشمند در این راه است.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، پیشین، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۱، ح ۱۵.

۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح کفعمی، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ق، ص ۵۵۰.

۱۰. دعوت به خیر و پرهیز دادن از شرّ

در عرصه روابط و مناسبات انسانی، جامعه به پیکر واحدی می‌ماند که اگر اراده کرده باشد در راه رشد و تعالی گام بردارد، باید همه انسان‌های آن، همدل و همسو حرکت کنند؛ مانند سرنشینان یک کشتی.

اسلام با توجه به اهمیت همسویی رفتار افراد در جامعه، مداومت در دعوت به خیر و ممانعت از شر و کج‌روی را از ضروریات دانسته است. از این رو، می‌توان این امر را یکی از ویژگی‌های برجسته جامعه مهدوی دانست. جوانان به عنوان پرنشاط‌ترین مجموعه در جامعه مهدوی، می‌توانند با سفارش‌های خردمندان به یکدیگر، جامعه را از هر گونه لغزش و انحراف پاسداری کنند.

آگاهی از تعالیم و مواضع اسلامی در زمینه موضوع و شرایط وجوب و مراتب امر به معروف و نهی از منکر، نخستین و مهم‌ترین گام در این مسیر به شمار می‌آید که به دنبال آن، می‌توان از برانگیختن غیرت و حمیت دینی نسل جوان برای اصلاح جامعه و مقابله با مفسد اخلاقی و عوامل مفسده‌انگیز اجتماعی، یاد کرد.

امروزه تشکیل گروه‌های آمران به معروف و ناهیان از منکر توسط جوانان مؤمن و صالح در مراکز فرهنگی و تربیتی، می‌تواند گام ارزشمندی در این زمینه باشد.